

بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)

- ناصر رفیعی^۱
 محمد رنجبر حسینی^۲
 اعظم باباخانیا^۳

چکیده

کار جوهر انسان و مایه سعادت دنیوی و اخروی او است. در اسلام به مقوله کار و مؤلفه‌های آن، اهمیت بسیاری داده شده است. تعداد روایات ذکر شده از پیامبر اکرم (ع) و ائمه معصومین (ع) در موضوع کار و بایدها و نبایدهای آن، خود گواه صادقی بر این ادعا است. فرهنگ کار هر جامعه، نشانه رشد فکری و اجتماعی آن جامعه می‌باشد که، اقتصاد سالم و پویا، از نتایج آن خواهد بود. در این مقاله سعی شده تا بایسته‌های فرهنگ مطلوب کار از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) بررسی شود تا ضمن استخراج آن بایسته‌ها، بتوان به یک الگوی صحیح و مناسب در فرهنگ کار دست یافت. در بررسی به عمل آمده، مواردی چون وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی و اتقان و محکم‌کاری در کارها از مهمترین بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشند که با تحلیل عناصر جزئی‌تر هر کدام از این عناوین کلی، این مقاله سامان یافته است.

کلید واژه: امام علی (ع)، فرهنگ کار، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، محکم‌کاری و اتقان.

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه.

۲. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن وحديث.

۳. کارشناسی ارشد علوم معارف گرایش نهج البلاغه.

مقدمه

کار مهمترین عاملی است که حیات بشر، عزت و سربلندی هر فرد و اجتماعی بستگی به آن دارد. کار مفهوم عامی است که شامل کلیه فعل و انفعالاتی می‌شود که از جسم و حتی روح انسان سرچشمه می‌گیرد. از آنجایی که کار مایه خوشبختی و سعادت انسان است، اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی، به اندازه دریافت‌های خود و سرچشمه‌های فیض الهی، پیرامون موضوع کار و تشویق انسان‌ها به تلاش و فعالیت مطالبی عنوان کرده‌اند که اهمیت و جایگاه این امر حیاتی را به خوبی روشن ساخته است.

در اسلام، کار در پرتو نیازهای انسان و ضرورت برقراری تعادل و آرامش در زندگی فردی و اجتماعی افراد یک فضیلت تلقی می‌شود. وظیفه کار کردن در جهت تأمین نیازهای فرد و خانواده، همواره کنترل شده و با تأکید قرآن بر گذرا بودن زندگی و هشدار دادن نسبت به خطر حرص و آز و طمع‌کاری در وجود انسان و اهمیت اجتناب ورزیدن از ثروت‌اندوزی، از افراط در آن جلوگیری شده است («اخلاق کار اسلامی»، نشریه کار و جامعه، شماره ۳۱، صص ۱۵۲-۲۳).

کار و کوشش، جوهر انسانیت انسان، نبض حیات او و شاخصه‌ای است که ماهیت او را از جمادات و گیاهان جدا می‌سازد (کار و تلاش از نگاه اندیشمندان اسلامی، ص ۱). سقراط، کار را سرمایه سعادت و نیک‌بختی می‌داند (تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۹).

از آنجایی که فرهنگ کار به عنوان بخشی از شیوه زندگی انسان نقش بنیادی و زیربنایی در رسیدن به کار مطلوب و به واسطه آن ارتقاء سطح پویایی جوامع مسلمان دارد، فهم صحیح و عمیق از بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر أمير المؤمنين علی عليه السلام، ما را به این مهم نزدیک‌تر می‌نماید.

امروزه، متأسفانه در بعضی از کشورهای اسلامی سستی و اهمال در انجام کارها به چشم می‌خورد که چه بسا یکی از عوامل عقب‌افتادگی و کیفیت پایین تولیدات و صنایع هم همین امر باشد؛ درحالی‌که، از آموزه‌های اسلام به دست می‌آید که، انسان‌ها باید کار را به بهترین صورت انجام دهند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسِنَ (الجامع الصغير في أحاديث

البشير النذير، ج ۱، ص ۲۲۱).

خداوند دوست دارد که هر کارگزاری کار می‌کند، نیکو کار کند.

با توجه به این روایت می‌توانیم بگوییم افرادی که وجدان کاری بالایی دارند و با پذیرش تعهد خویش، کارهایی را که به آنان سپرده می‌شود به بهترین صورت انجام می‌دهند، مورد لطف و رضایت الهی قرار گرفته و به طور طبیعی حاصل تلاش آنها نیز باعث رشد و پویایی جامعه و کشورشان خواهد شد. امروزه تحول‌های اقتصادی معلول تحول فرهنگ کار و برگرفته از آن است. تحول اساسی و زیربنایی در فرهنگ کار جوامع، به خودی خود باعث می‌شود تا فعالیت‌های کاری از حالت رکود خارج شده و به رشد و توسعه برسند.

در این مقاله سعی خواهد شد تا با بررسی دیدگاه‌های امام علی علیه السلام و جمع‌آوری احادیث شیعیان در زمینه فرهنگ کار مطلوب به ارائه بایسته‌های مهم در این موضوع پرداخته و با در نظر گرفتن و تبیین آن‌ها، در جهت گسترش و پیشرفت روز افزون فعالیت‌های کاری در جوامع اسلامی پیرامون مسائل اقتصادی و اجتماعی پردازیم.

مفهوم‌شناسی واژه فرهنگ (culture)

فرهنگ واژه فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و اگر به عنوان پیشوند به کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است و «هنگ» از ریشه اوستایی «سنگ» به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. این واژه مرکب به معنای بیرون کشیدن، برکشیدن است که در ادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود به کار رفته است (زمینه فرهنگ، ص ۱۱).

لغت فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متفاوت و متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را در ادبیات فارسی به خود گرفته است. از آن جمله می‌توان به معانی زیر اشاره کرد:

ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸)؛ نیکویی، پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر (فرهنگ نفیسی، ج ۴، ص ۲۵۵۷)؛ حکمت، عقل، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی (فرهنگ جعفری، ج ۱، ص ۲۳۶).

در کلیه فرهنگ‌های لغت چنان تشابهی در معانی «فرهنگ» وجود دارد که باعث می‌شود آنها را نسخه‌هایی تکراری به شمار آوریم که برخی از برخی دیگر اقتباس شده‌اند. از کلمه «ثقافة»

در زبان عربی - در فرهنگ‌های لغت که در دسترس ما قرار دارند، چه نوع قدیم و چه جدید - تنها به ندرت یاد می‌شود و در مجموع به معانی، درک و فهم، فراست و زیرکی، ظفر و دست یافتن به کفار اشاره شده است (الإشتقاق، ص ۳۱).

فرهنگ به معنای «culture» از مفاهیم تازه‌ای است که در آغاز قرن ۱۴ هجری شمسی، در زبان فارسی راه یافت و به کار برده شد («ارتباط فرهنگ عامه با فرهنگ عمومی»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۵، ذیل واژه فرهنگ).

اولین تعریف علمی فرهنگ را ادوارد تیلور در کتاب فرهنگ ابتدایی خود در سال ۱۸۷۱ میلادی مطرح کرده است. به نظر وی «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از معرفت، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و همه قابلیت‌ها و عادات دیگری است که انسان، چون عضوی از جامعه آنها را می‌آموزد» (همان).

مراد ما از کاربرد این واژه در مقاله، بدین شرح است که، فرهنگ نظام پیچیده و پویای اجتماعی است که در روند تکامل وجود اجتماعی انسان، برای انطباق و سازگاری هر چه بیشتر با محیط طبیعی و اجتماعی و ادامه زندگی هر چه غنی‌تر و خلاق‌تر، از سوی انسان جمعی ساخته شده و از نسلی به نسل دیگر به عنوان میراثی اجتماعی انتقال می‌یابد و به عنوان کل تجزیه‌ناپذیر شامل خصوصیات روحی و عقلی، باورها، رسوم، رفتار، علوم، هنر و... مجموعه نظام‌های نمادین می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژه کار

کار در لغت به معنای «عمل، فعل و کردار» انسان آمده است. و در اصطلاح، آن چه از شخصی صادر گردد و خود را به آن مشغول سازد، که الفاظ دیگرش عمل، فعل و شغل است (لغت‌نامه، ج ۴۰، ص ۱۰۷؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۷۳۳).

به نظر برخی از اقتصاددانان کار عبارت است از:

استفاده‌ای که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات

می‌کند (جامعه‌شناسی کار و شغل، ص ۱۰).

بر اساس این تعریف، فعالیت و کار به طور عمده از طریق هدف‌ها و ارزش محصولی که تولید

شده، معین می‌گردد، به عبارت دیگر کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می‌کند.

پس می‌توان گفت، تعریف کار عبارت است از:

به مجموعه تلاش انسان، که به قصد تأمین معاش انجام می‌پذیرد، کار اطلاق می‌شود، حال این تلاش چه در محیط‌های اداری و سازمانی و یا غیر اداری و غیر سازمانی و چه به صورت فردی یا جمعی انجام گیرد (مدیریت نیروی انسانی، ص ۵).
مراد از فرهنگ کار مطلوب در مقاله حاضر همان، مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده در حیطه مسائل فرهنگ کار است، که با توجه به آن عناصر و مؤلفه‌ها، می‌توان به انجام درست و بهینه فعالیت‌های معطوف به ایجاد ارزش کار در هر جامعه‌ای افزوده شود. در این قسمت برآن هستیم تا به بیان بایسته‌ها و عناصر آن بپردازیم:

الف: وجدان کاری

در فرهنگ کاری هر جامعه یا سازمان اصطلاح وجدان کاری^۱ مطرح می‌شود. (مدیریت نیروی انسانی، ص ۱۰) وجدان کاری عاملی است که باعث ایجاد نظم در کار و احساس انجام وظیفه در افراد می‌شود، در سازمان‌ها، اصلاح رفتار و طرز برخورد با کارکنان آن سازمان می‌باشد، تا تمایل آنها را به رعایت قوانین، مقررات و استانداردهای سازمان بسنجد (همان)، به عبارت دیگر، وجدان کاری عاملی است که باعث ایجاد نظم در کار و حس انجام وظیفه در کارکنان می‌شود. («بررسی میزان تأثیر و نقش عوامل مؤثر بر وجدان کاری»، شماره اول، ص ۲۹)

وجدان کاری نیرویی است که فرد را متعهد می‌سازد تا، یک سری رفتارهای معطوف به هدف را در حیطه مسائل کاری خویش انجام داده («وظایف و تعهدات در محیط کار به منظور دستیابی به یک الگوی جامع»، شماره ۱۱، صص ۳۲۶ - ۲۹۹) و نیز افکار و سلیقه‌های متفاوت را برای شکل‌دهی یک رفتار سازنده هم‌گرا سازد (همان).

نیروی انسانی ما به تقویت وجدان کاری و تغییر در فرهنگ کار، نیازمند است؛ چرا که نیروی انسانی متعهد، سازمان را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهد.

وجدان کاری موجب می‌شود کارکنان نظام اداری و سازمانی کشور، توانمندی‌ها، استعدادها و تخصص‌ها را نه تنها بدون کنترل، بلکه به صورت داوطلبانه در جهت تحقق اهداف سازمان قرار دهند و در سایه این وجدان کاری است که برنامه‌های توسعه پایدار کشور بیمه می‌شوند («وجدان

کار عامل پویایی نظام اداری کشور، کار و جامعه»، ص ۲۴). کارکنان با وجدان‌کاری بالا سخت‌تر کار می‌کنند، برای سازمان ارزش قائل هستند و ایراد کمتری در کارشان دیده می‌شود («تعهدات سازمانی در بنگاه‌های کارآفرینی کوچک در سنگاپور از طریق مدیریت فرهنگی»، صص ۲۰-۱۶). افراد با وجدان‌کاری بالا اهداف و ارزش‌های سازمان را اهداف و ارزش‌های خود می‌دانند و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کنند («مطالعه تجربی درباره کارکنان بهداشت و درمان ترکیه: اثر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی»، شماره ۱۰، صص ۵۴-۷۵).

توجه به مفهوم وجدان‌کاری در امر کار، در حقیقت نگاهی اخلاقی و انسانی به مقوله کار است؛ زیرا اخلاق در رفتار حرفه‌ای منجر به ایجاد تعهد نسبت به انجام وظایف محوله به بهترین شکل و بدون کنترل خارجی و در پی آن بهبود نتایج کار، بهبود وضع جامعه، رضایت باطنی و آرامش وجدان فرد می‌شود. وجود وجدان‌کاری در یک سازمان باعث افزایش سطح بهره‌وری، تحقق توسعه پایدار، تحول فرهنگی انسان، ثبات مدیریت و نظم اقتصادی می‌گردد. وجدان‌کاری با مفاهیمی از قبیل انضباط، روحیه، کارایی، انگیزش و تعهد، در حالی که رابطه نزدیک دارد، متفاوت است؛ و در اصل، عاملی است که باعث ایجاد نظم در کار و حس انجام وظیفه در افراد می‌شود. توجه به مفهوم وجدان‌کاری در کارها، توجه به اخلاق و روابط انسانی است؛ زیرا اخلاق، تعهد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود، افراد نسبت به وظایف و رفتار شغلی خود به بهترین شکل و بدون وجود عامل کنترل خارجی، حساس باشند.

وجود وجدان‌کاری در یک سازمان باعث افزایش سطح بهره‌وری، تحقق توسعه پایدار، تحول فرهنگی انسان، ثبات مدیریت و نظم اقتصادی می‌گردد.
امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَوْصَلَهُ إِلَىٰ وَلِيهِمْ
فَيُقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ وَ لَا تُؤْكَلُ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيفًا وَ أَمِينًا حَفِيفًا... (نهج البلاغه
صبحی صالح، صص ۸۸۱-۸۸۰، نامه ۲۵)

اموال مردم را به دست کسانی بسپارید که به دینداری آنها اعتماد داشته باشید، و بدانید که اموال مسلمانان را با رفیق (و سلامت) می‌آورند و به دست ولی ایشان می‌رسانند، تا او میان همه تقسیم کند؛ و این اموال را به دست کسانی بسپارید مگر آن‌که خیرخواه و مهربان و امین و مراقب باشند...

پس بین وجدان و کار ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و اگر در جامعه‌ای، انسان‌ها این ارتباط را در نظر نگیرند، به طور حتم، کارها به صورت ناقص انجام خواهد پذیرفت، حتی ممکن است، جامعه در شرایطی قرار بگیرد که، هیچ کار مؤثر و مفیدی نیز در آن، انجام نپذیرد. وجدان مانند دارایی‌های دنیایی نیست که، به صورت نامساوی میان انسان‌ها تقسیم شده باشد. وجدان، این نیروی قدرتمند درونی، در وجود همه افراد هست، اما این میزبان‌های وجدان هستند که تصمیم می‌گیرند آن را پیش خود نگه دارند، یا پشت حصار بلند زندانی‌اش کنند. انسان‌های با وجدان که ندایی از درون، آن‌ها را به انجام کارهای خوب دعوت می‌کند و از رفتن به سمت بدی‌ها بر حذر می‌دارد، همیشه به سوی رفتارهای انسان دوستانه متمایل می‌شوند و با همه کسانی که سر و کارشان به آن‌ها می‌افتد، برخوردی منصفانه و انسانی دارند. اما اگر روزی، به دلایلی غیر از این انجام دهد، آن قدر وجدان یا بیچشان می‌شود که، برای چنین انسان‌هایی راهی جز اعتراف به اشتباه، عذرخواهی و جبران اشتباه باقی نمی‌گذارد. چنین کسانی مسئولیت تمام کارهایشان را به عهده می‌گیرند و هیچ‌گاه اشتباهاتشان را به دیگران نسبت نخواهند داد و در هیچ شرایطی، با تصور آسیب رساندن به دیگران، خود را راضی نمی‌نمایند. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که، ایجاد وجدان کاری تأثیری شگرف در نوع نگرش به کار خواهد داشت.

بایسته‌های مورد نیاز در وجدان کاری

در فرهنگ کار اسلامی، هرگونه فعالیت مستمر، هدفمند و مؤثر، که مطابق با آموزه‌های الهی باشد، عبادت شمرده می‌شود. بنابراین شایسته است که فرد مسلمان، در تمامی فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش، دقت و تلاش فراوانی به کار گرفته و با احساس مسئولیت ناشی از وجدان کاری، وظایف کاری خود را به بهترین شکل انجام دهد. در این قسمت به بیان بایسته‌های وجدان کاری بپردازیم:

۱- همسویی منافع فردی با اجتماع

در آموزه‌های اسلامی، با توجه به اصالت فرد، جامعه نیز از موجودیت خاصی برخوردار بوده، و هنگامی که جامعه موجودیت یافت، باید جانب آن ترجیح داده شود؛ زیرا اگر منافع جامعه در نظر گرفته نشود، دیگر برای افراد حاضر در آن، جایی نمی‌ماند، تا آن‌ها از منافع خود بهره‌مند گردند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«... ذَلِكَ بَابُ مَصْرَّةٍ لِلْعَامَّةِ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۰۱۷، نامه ۵۳).

... این (احتکار کالاها و چیزهای مورد نیاز جامعه)، برای همه مردم زیان دارد.

پس تعارضات فرد و جامعه، یکی از پدیده‌های موجود در همه جوامع بشری است و بارزترین آن در تعارض منافع این دو، مصداق پیدا می‌کند. منافع فرد، مجموعه امتیازات به رسمیت شناخته شده در نظام حقوق داخلی است که، از آن به حق‌های فردی اطلاق می‌شود و منافع جامعه، مجموعه موضوعاتی است که موجودیت جامعه را تشکیل می‌دهد («قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه»، صص ۱۰۳-۷۱).

بنابراین، در حالتی که منافع جامعه به خطر می‌افتد، عقل حکم می‌کند که، منافع افراد موجود در آن محدود گردد؛ در این زمان، می‌توان خسارت‌های احتمالی افراد را به صورت‌های مختلفی جبران کرد. اما اگر خطری منافع جامعه را تهدید نکند، برای ایجاد محدودیت در منافع فردی، مجوزی وجود نخواهد داشت.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أُعْطِيَ الْحَقَّ (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰).

تاجر (معامله‌گر، کاسب) فاجر است، و فاجر در آتش، مگر کسی که حق [خود] را بگیرد [نه بیشتر]، و حق [دیگران] را بدهد [نه کمتر].

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، جامعه‌ای می‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم خویش باشد که بتواند، در عین فعالیت‌های کاری مؤثر، منافع خود و افراد موجودش را، تأمین نماید. زیرا، هر جامعه‌ای براساس ویژگی طبقاتی موجود در خود، ناچار به دستیابی به منافع عمده و جمعی خویش دارد و عدم تحرک و سکون در آن، فقط موجب از دست رفتن سرمایه‌های اقتصادی و از هم گسستن منافع اجتماعی و به طبع آن منافع فردی آن خواهد شد در نتیجه وجدان کاری از آن جامعه رخت خواهد بست.

۲- تصحیح نگرش به دنیا

یکی دیگر از مؤلفه‌های لازم برای تحقق وجدان کاری تصحیح نگرش به دنیا است. آموزه‌های اسلام، نیازهای انسان را در نظر قرار داده و به عنوان یک مکتب اعتدال، افراط و تفریط در هیچ یک از حوزه‌های زندگی را به او، اجازه نداده است. ولی از آنجایی که، انسان موجودی حریص در

مواجهه با مظاهر دنیا است، کنترل خویش را از دست داده و راه افراط و یا تقریب را انتخاب نموده و تمام سعی و همتش را در جهت جمع‌آوری زرق و برق دنیا، صرف کرده، زهد، تقوا، ساده‌زیستی و قناعت را به کلی فراموش می‌نماید و با تجمل‌گرایی، در راه اسراف و افراط و گناه گام بر می‌دارد و در این راه هیچ چیزی چشم طمعش را پر نمی‌کند و در حوزه کار باعث دنیاگرایی و تضییع کار و چه بسا حق کارفرما و پایین آمدن کیفیت تولید شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

حُبُّ الدُّنْيَا يَفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يَصِمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوْجِبُ آلِيمَ الْعِقَابِ (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۱).

دلبستگی به دنیا، عقل را فاسد می‌کند، قلب را از شنیدن حکمت ناتوان می‌سازد و باعث عذاب دردناک می‌شود.

اما، نگرش مطلوب انسان به دنیا، سبب ایجاد وجدان کاری و به تبع آن توسعه و رشد اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی او می‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ آدَمَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَانَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ وَ إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَانَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ (کافی، ج ۲، ص ۱۳۸).

ای فرزند آدم، اگر از دنیا به قدر کفایت بخواهی اندکی از دنیا تو را کفایت می‌کند و اگر بیش از کفایت بخواهی، همه دنیا هم برای تو بس نباشد.

اما، دنیاگرایی ناصحیح در انسان‌ها، سبب توسعه نامتوازن اقتصاد در زندگی افراد حاضر در اجتماع خواهد شد و آن را از درون به ناکارآمدی و سطحی‌نگری سوق می‌دهد، این عدم تعادل، راه را برای آسیب‌پذیری فرهنگ اقتصادی جامعه، از زوایای گوناگون هموار می‌سازد. این روند علاوه بر رکود فعالیت‌های اقتصادی، در ابعاد دیگری نیز چون، سیاست و اجتماع نفوذ کرده و با توجه به تعامل میان این ابعاد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره آن وارد خواهد نمود، در این صورت جامعه در مرحله بسیار سخت بحران وارد می‌شود («دنیاگرایی، آسیبی فرهنگی؛ از منظر قرآن»، ج ۵۴، ص ۱۴).

در نتیجه، نگرش‌های مردم به دنیا یا از نوع ابزاری و یا از نوع وابستگی به آن است. ابزارگرایان، به دنیا تنها در حد یک ابزار برای رسیدن به خداوند می‌نگرند و در حقیقت دنیا‌داری

می‌کنند، اما وابسته‌گرایان، به دنیا به چشم هدف می‌نگرند، آن هم به صورت یک هدف کلان و نهایی، و در این میان بدون استفاده و بهره‌مندی از منابع دنیا، زندگی برایشان معنا و مفهومی ندارد.

با توجه به بیانات امام علی علیه السلام، با انگیزه توفیق و رسیدن به سعادت ابدی، می‌توان با تصحیح نگرش به دنیا و نوعی آخرت‌گرایی و اصالت دادن به آن، به یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های وجدان‌کاری دست یافت. در نتیجه شاهد به ثمر رسیدن فرهنگ کار مطلوب در جامعه خواهیم بود.

۳- رعایت عدالت و برابری

سومین بایسته لازم برای تحقق وجدان‌کاری عمل نمودن به اصل عدالت و برابری است. انسان براساس فطرت الهی عدالت را دوست و ظلم و تزییع حقوق را زشت می‌داند. افرادی که خود را برابر با دیگران، در تمامی حقوق می‌دانند، و هیچ‌گاه در پی ضایع نمودن حق کسی، اعم از حقوق مالی و کاری کارگر یا کارفرما نیستند، میانه‌روی در کارها را، الگوی خویش قرار می‌دهند، آن‌ها مصداق بارز عدالت‌پیشگان در جهان خواهند بود.

امام علی علیه السلام، در فرازی از عهدنامه اشتری، می‌فرماید:

... وَ أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَقَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ... (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۹۹۳، نامه ۵۳)

... در دل خود نسبت به مردم احساس محبت بکن، آنان را دوست بدار و با ایشان مهربان باش، زیرا که مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند، و دسته دیگر در آفرینش با تو برابرند (ای انسان، آنها هم انسانند!).»

دین اسلام انسان را، در همه قانونگذاری‌ها و احکام، هدف اصلی خویش قرار داده است، می‌توان پی‌برد که، انسان و کرامتش، محور اصلی مسائل معیشتی و قضایای مالی به شمار می‌آیند، زیرا مال در برابر کرامت آدمی و حیثیت جامعه بشری، از هیچ اعتبار مستقلاً برخوردار نیست. و اگر این کرامت انسانی محفوظ نماند، مال به خودی خود، دارای هیچ ارزشی نخواهد بود، زیرا از نظر قدر و منزلت بر انسان برتری و تقدّم ندارد. (الحیة، ج ۳، ص ۴۲)

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... مَا عَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ وَلَا ظَلِمَ مِنْكُمْ مُسْلِمٌ وَلَا مُعَاةَ (كافی، ج ۸، ص ۳۲).

[در حکومت اسلامی] هیچ صاحب عائله‌ای نیازمند نخواهد ماند، و هیچ مسلمان یا غیر مسلمانی، ستم نخواهد دید.^۱

می‌توان گفت که، دین اسلام، خط بطلان، بر هرگونه ثروت‌اندوزی و انحصارطلبی، مالکیت‌هایی که نتیجه آن شکستن قدر و مرتبه انسان‌ها است، می‌کشد، و با این کار، از ابطال هدف دین برای تکامل انسان‌ها، مقابله با از بین بردن قسط و داد، و گسستن بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی متعادل، شیوع فقر و بیچارگی در میان مردم جلوگیری به عمل می‌آورد، پس ثروت‌های تکاثری و مالکیت‌های نامحدود، مصرف‌های آزاد، و یا دارایی و مالکیتی که در آن، حدود خداوند و احکام دین و حقوق مردم - در مراحل مالک شدن و مصرف کردن - مراعات نشده باشد، و صاحبان آنها حقوق رسمی و غیر رسمی را که بر عهده آنان است، ادا نکرده باشند، را از بین خواهد برد.

پس، اجرای عدالت نیز همانند سایر مسائل اجتماعی، به زمینه‌ها و بسترهای مناسب نیازمند است. زیرا رعایت آن در جامعه، موجب ثبات و آرامش و باعث سعادت انسان‌ها خواهد شد. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْعَدْلُ سَائِسٌ غَامٍ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۲۹۰، قصار ۴۳۷).

عدالت تدبیرگری عمومی است.

از منظر آموزه‌های اسلامی، اهمیت عدالت چنان است که عالم هستی بر پایه آن بنا شده است و بی‌نیازی همه مردم با تحقق عدالت ممکن خواهد شد. (الحیة، ج ۵، ص ۳۳۰) امام علی (ع) جامعه را زمانی جامعه‌ای خدایی می‌داند، که با خدمت به انسان‌ها، بتواند آنان را به قرب الهی برساند، زیرا حقوق انسان‌ها در حق خدا ریشه دارد و حقوق الهی نیز خاستگاه اصلی حقوق انسان‌ها است. امام علی (ع) می‌فرماید:

با رعایت نکات به دست آمده از این کلام امام علی (ع)، حق و حقوق در جامعه اسلامی، عزت می‌یابد و علامت و نشانه‌های عدالت و تعادل اجتماعی در آن آشکار می‌گردد و عدل در پهنه اجتماعی گسترده می‌شود و فرد، گروه یا طبقه‌ای در جامعه از محدوده عدالت بیرون نمی‌ماند. در این هنگام است که، مردم حق خود را نسبت به دولت یا کارفرما به صورت کامل ادا

۱. منظور هر غیر مسلمانی است که در جامعه اسلامی به عنوان هم‌پیمان (معاهد) و هم‌وطن زندگی می‌کند.

می‌نمایند و در طرف مقابل، دولت یا کارفرما نیز به ایفای حقوق خود نسبت به مردم می‌پردازد. در نهایت، حرکت کردن جامعه در مسیر پیشرفت، تنها، در چهارچوب اجرای عدالت امکان‌پذیر است، در این صورت، آزادی‌ها و اختیارات انسان، محفوظ مانده و تمامی قوانین و مقررات فردی و اجتماعی حاکم در آن، رعایت می‌گردد. در چنین شرایطی، محدوده عدل، گسترش یافته و هیچ فردی در آن احساس تنگنا نمی‌کند، زیرا افراد خود را با اصول عدالت تطبیق می‌دهند، و از خفقان و رنج‌های اقتصادی، که حاصل ظلم و ستم است، نجات خواهند یافت.

بنابراین، در صورت رعایت اصل عدالت در کار از سوی کارگر یا کارمند و از سوی مقابل از طرف کارفرما یا سازمان‌ها یا سایر مراکز شاهد تقویت وجدان کاری در مقوله کار خواهیم بود و حاصل آن رضایت طرفینی و در نتیجه رشد کمی و کیفی اقتصادی خواهد بود.

۴- مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون

چهارمین بایسته لازم در تحقق وجدان کاری در فرهنگ کار مطلوب مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون است، به گونه‌ای که هر نوع بی‌مسئولیتی، به مفهوم بیرون شدن از مسیر درست و قدم زدن در کجی‌ها و ناراستی‌ها است.

سالم جحدری از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که، ایشان فرمودند:

شَهِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أُتِيَ بِمَالٍ عِنْدَ الْمَسَاءِ، فَقَالَ: اقْسِمُوا هَذَا الْمَالَ. فَقَالُوا: قَدْ أُمْسَيْنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْزَهُ إِلَى غَدٍ. فَقَالَ لَهُمْ: تَقْبَلُونَ لِي أَنْ أَعِيشَ إِلَى غَدٍ، قَالُوا: مَاذَا يَا بَأِئِدِينَا. قَالَ: فَلَا تُؤَخِّرُوهُ حَتَّى تُقْسِمُوهُ (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۰، ص ۳۲۱).

خود شاهد بودم که مالی را هنگام شب نزد علی بن ابی‌طالب علیه السلام آوردند، گفت: «این مال را بخش کنید، گفتند: ای امیرمؤمنان اکنون شب است بگذار برای فردا، به آنان گفت: «قول می‌دهید که تا فردا زنده باشیم؟» گفتند: این به دست ما نیست. پس گفت: «عقب نیندازید، تقسیم کنید».

اصل مسئولیت‌پذیری به ما، می‌آموزد که هر کس در هر مرتبه‌ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود مسئول و پاسخگو است. هیچ شخصی نمی‌تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار نماید و خود را پاسخگو نداند. بر این اساس، کسی حق کمترین اهانت و بی‌احترامی به مردم را ندارد.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می فرماید:

كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ مَسْئُولٌ (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۴۵، ح ۳۰۳۵).

به چیزی مشغول باش که مسئول آنی.

تلاش و سخت کوشی، از جمله مطالبی است که، باید در هنگام، انجام کارها مورد توجه قرار گرفته و به آن دقت شود، انسان‌ها برای رسیدن به موفقیت، باید با تمام توان و در چارچوب مسئولیت خویش تلاش کنند، زیرا رمز پیروزی انسان، انجام کار سازنده‌ای است که در حیطه مسئولیتش بوده و باید آن را، به نحو احسن انجام دهد. از جمله توصیه‌هایی که امام علی علیه السلام در «حاضرین»^۱ برای امام حسن مجتبی علیه السلام نوشتند، این بود که:

...اجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أُخْرَى أَلَّا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ... (تهج البلاغه صبحی صالح، ص ۹۳۹، نامه ۳۱).

برای هر یک از کارکنان کاری تعیین کن، و از او مسئولیت بخواه؛ این رفتار [تقسیم کار]، شایسته‌تر است، تا کارها را به عهده یکدیگر نگذارند.

از بیان فوق، چند نکته حاصل می‌شود:

- ۱- برای هر فرد باید کاری معین (در حد توان و تخصص او) مشخص گردد.
- ۲- مسئولیت، در صورت بروز مشکل یا پیشامد ناگوار، بر عهده شخص مورد نظر خواهد بود.
- ۳- فرهنگ کار شایسته در اسلام، مبتنی بر رعایت قانون و انجام به وظیفه است. پس براساس موارد فوق می‌توان گفت جامعه انسانی کار با اصل مسئولیت‌پذیری و قانون‌گرایی باعث تقویت وجدان کاری، زمینه رسیدن به فرهنگ کار مطلوب را بنا می‌گذارد.

ب: برنامه‌ریزی کاری

همان‌طور که بیان گردید، موضوع این مقاله بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب است. در این قسمت به بیان دومین مورد از بایسته‌های کاری، با عنوان نظم و برنامه‌ریزی خواهیم پرداخت. نظم و برنامه‌ریزی، از فرآیندهای مهم برای دستیابی به فرهنگ کار مطلوب است. برنامه‌ریزی نقش مهمی در کمک به جلوگیری از اشتباهات یا تشخیص فرصت‌های پنهان دارد. برنامه‌ریزی به پیش بینی آینده و ساختن آینده تا حدود قابل تصویری کمک می‌کند.

۱. هنگام بازگشت حضرت از نبرد صفین.

اولین گام برای برنامه‌ریزی این است که، انسان موقعیت کنونی خود را بشناسد. شناخت موقعیت فعلی، موجب سهولت در رسیدن به اهداف مورد نظر، خواهد شد. برای رسیدن به این منظور، باید به نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و محدودیت‌ها توجه ویژه معطوف گردد. وقتی مقصود کاری مشخص می‌گردد، باید شیوه‌های کلی آن تبیین شود، تا اهداف معین و با تعیین آن، آگاهی دقیق و روشن، نسبت به آینده کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، ایجاد شود. منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

قَوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مَلَكَ حُسْنُ التَّدْبِيرِ (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۶، ح ۹۴)

قوام زندگی به آن است که به خوبی اندازه نگاه داری، و ملاک زندگی آن است که خوب برنامه‌ریزی کنی.»

پس برنامه‌ریزی و تهیه جدول زمانی برای انجام کارها، اجرای آنها را اطمینان بخش‌تر می‌سازد، زیرا تعیین همه فعالیت‌های اساسی، کاری لازم است و به همین دلیل، باید همه انسان‌ها، تمامی افکار و برنامه‌های خویش را بنویسند، تا در این زمینه با مشکلی مواجه نشوند. بنابراین، لازم است که انسان برای دستیابی به فرهنگ کار مطلوب، یک برنامه‌ریزی منسجم و متقن داشته باشد، که این برنامه‌ریزی باید شامل عناصر و مؤلفه‌های اصلی نیز باشد و در اجرای آن بدان توجه شود، تا در گرو آن، به نتیجه مطلوب مورد نظر، دست یابد. این عناصر و مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱- وقت‌شناسی

اولین عنصر لازم برای تحقق برنامه‌ریزی، وقت‌شناسی است. تا از رهگذر آن بتوان به فرهنگ مطلوب کار رسید. وقت‌شناسی و آگاهی از طرز استفاده از وقت و ارزش دادن به آن است. از امتیازات انسان‌های بزرگ، حساس بودنشان نسبت به گذشت زمان و بهره‌گیری مطلوب از آن است. کسانی که آرزوی رسیدن به قله‌های رفیع موفقیت و کامیابی و طی مراحل کمال و تقرب الهی را دارند، باید قدر سرمایه ارزشمند عمر خویش را بیش از پیش بدانند و آن را با کوشش‌های بیهوده و بطالت از دست ندهند.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ (نهج البلاغه صبحی صالح، قصار ۷۴).

نفس زدن شخص، گام برداشتن او به سوی مرگ است.

طبق آموزه‌های دینی ما، هر روز عمل خاص خود را می‌طلبید. همان‌طور که در انجام عباداتی چون نماز، زمان معین خویش را می‌طلبید و هر روز، تکلیف جدای از خود را دارد و باید در زمان خاص خود ادا شود، برای انجام امور دیگر نیز باید از فرصت‌ها بهره‌برد و از تأخیر در عمل، جلوگیری نمود.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

...بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً... (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱)

فرصت را دریاب، تا مایه غصه نگردد.

بسیاری از افراد ارزش دو نعمت را نمی‌دانند و در عمل و بهره‌گیری از آن دچار تقصیر می‌شوند: سلامت بدن و داشتن وقت.

انسان باید برای انجام وظایف و کارهای اصلی خود، فرصت ایجاد کند یعنی هر روز برای انجام کارهای فردا برنامه‌ریزی کرده و در انجام آن‌ها مصر باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ (نهج البلاغه صبحی صالح، قصار ۲۱).

فرصت همچون ابر می‌گذرد، پس فرصتهایی که برای کار خیر پیش می‌آید، غنیمت شمارید!

در اسلام، ارزش عمر یک انسان، بستگی به اموری چون: ایمان، انجام اعمال صالح و بندگی خدا، اخلاق نیکو و ... دارد. اگر کسی عمرش را در راه تحصیل ایمان و معرفت، که همان اطاعت و بندگی خدا و کسب فضایل انسانی است، صرف کند، از وقت خود به خوبی استفاده کرده و در این صورت، از خسران روز قیامت در امان مانده و سعادت‌مند خواهد شد.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرمایند:

مَنْ أَخَّرَ الْفُرْصَةَ عَنْ وَفَّيْتَهَا فَلْيَكُنْ عَلَىٰ ثِقَةٍ مِنْ فَوْتِهَا (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۸، ح ۱۱۴۰).

هر که فرصت را از وقت خود به تأخیر اندازد، مطمئن باشد که فوت خواهد شد.



فرصت‌های زندگی انسان، ناپایدار و زودگذر هستند، باید در نظر داشت که، بزرگترین فرصت‌ها، بر اثر کمترین مسامحه و سهل‌انگاری، از دست می‌روند و برای فرد، تنها شکست و ندامت باقی می‌ماند. به همین دلیل، در سیره معصومین علیهم‌السلام این نکته، مورد توجه خاصی قرار گرفته و همواره خطر از دست رفتن فرصت‌ها، بیان شده است.

بسیاری از انسان‌ها، ارزش ثانیه ثانیه‌های عمر خویش را، فقط در زمان انتظار کشیدن و یا فرار کردن، در می‌یابند. ولی باید بدانیم که، ارزش عمر ما، با استفاده درست و صحیح از همین ثانیه‌ها، معلوم می‌گردد. زیرا تمام چیزهای وابسته به انسان‌ها، به آن مرتبط هستند. پس، باید از این سرمایه ارزشمند به خوبی بهره برد. این سرمایه، هر چند که، وسعتش معلوم نیست، ولی محدود است.

استفاده از فرصت‌ها، راز اصلی رسیدن به قله پیروزی است، انسان با هر فرصتی که از دست می‌دهد، شانس رسیدن به پیروزی خویش را کمتر می‌کند، در نتیجه زمینه رکود و ایستایی خود را فراهم می‌نماید، زیرا بسیاری از موفقیت‌های ما، مرهون جهش از روی سکوی فرصت‌ها است. منسوب به امام علی علیه‌السلام است که می‌فرمایند:

مَنْ نَاهَرَ الْفُرْصَةَ أَمِنَ الْغُصَّةَ (همان، ص ۳۰۱، ح ۱۵۸۶).

هر که از فرصت چنان‌که باید بهره‌گیرد، از غصه در امان است.»

پس می‌توان گفت که، با غنیمت شمردن فرصت‌ها به موقعیتی که خواهان آن هستیم، دست پیدا خواهیم کرد و از بیهودگی روزمره‌ای که ممکن است به سراغ هر کسی بیاید، رها خواهیم شد.

۲- نظم‌پذیری

دومین شرط لازم برای برنامه ریزی در کارها و به دنبال آن تحقق یک فرهنگ کار مطلوب رعایت نظم در امر است که متأسفانه جای آن در بسیاری از امور زندگی به خصوص مقوله کار خالی است. داشتن یک ساختار منظم در محل کار، برای تسلط بر همه مسئولیت‌ها ضروری است، زیرا به طور معمول، بیشتر افراد در محل کار خود با مسائل گوناگونی روبرو می‌شوند که گاهی واقعاً آن‌ها کلافه‌کننده و پر تنش است. استرسی که این روزها جزئی از زندگی همه انسان‌های عصر حاضر شده است، نیز باعث دیر انجام شدن کارها می‌شود و جذابیتی هم برای کارکنان ندارد. مشکلات ناشی از این موارد، با به کار بردن نظم در انجام کارها، قابل حل است.

امام علی علیه السلام در وصیت تاریخی و مشهور خود می‌فرماید:

اَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَاٰلِي وَاَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللّٰهِ وَ نَظْمٍ
أَمْرِكُمْ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۲۱، نامه ۴۷).

شما را و تمام فرزندانم و خانواده‌ام و هرکسی که نوشته‌ی من به او رسد، سفارش می‌کنم به تقوای الهی و نظم دادن به امر خود.

رعایت نظم در کارها، باعث به دست آوردن مزایایی در زندگی انسان خواهد شد، این مزایا عبارتند از:

الف) هدفمند کردن زندگی؛

ب) توان دادن برای مقابله با مشکلات زندگی؛

ج) انجام اقدامات سالم و مناسب، برای رسیدن به هدف و توجه نمودن به همه جنبه‌های زندگی؛

د) تنظیم برنامه‌های زمانی برای انجام کارهای محول شده به فرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ [التَّسَاقُطُ] التَّسَقُّطُ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا أَوْ
اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْصَحَتْ فَضَعُ كُلِّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ
أَوْقِعْ كُلَّ [عَمَلٍ] أَمْرٍ مَوْقِعَهُ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۰۳۱، نامه ۵۳).

از آن بپرهیز که پیش از موعد در کارها شتاب ورزی، یا با وجود امکان انجام دادن آن‌ها مسامحه کنی، یا در کارهایی که راه راست در آن‌ها آشکار نیست، لجاجت به خرج دهی، یا چون وضع روشن شد آن را سست بگیری، بنابراین، هر چیز را در جای خود قرار ده، و هر کار را در هنگام خود به انجام رسان.

نبود نظم در کارهای اداری و جمعی موجب می‌گردد تا فرد کارهایی را انجام دهد که نیاز به انجام آن‌ها نبوده، در نتیجه هزینه زیادی صرف انجام کارها می‌شود که در این صورت ناراحتی و نارضایتی دیگر افراد جامعه را به همراه خواهد داشت. متأسفانه امروزه، به خاطر رعایت نکردن نظم از سوی بعضی کارکنان، منابع، وقت و انرژی زیادی، هدر می‌رود که این امر، دیر یا زود موجب عقب‌ماندگی کشور در عرصه‌های اقتصادی خواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الدُّنْيَا دَوْلٌ فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ (تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۲، ص ۲۹).

دنیا در حال گردش دست به دست است، پس بهره خود را از آن به معتدل‌ترین شکل طلب کن.

پس می‌توان نتیجه گرفت که، به وجود آمدن نظم و رعایت آن در کارهای جمعی و اداری از هر چیز دیگری ضروری‌تر است، زیرا عدم توجه به این اصل، موجب ناراحتی دیگر افراد جامعه شده و باعث ائتلاف منابع مالی، جانی و زمانی خواهد شد.

۳- شناخت درست نقطه شروع و موقعیت هر عمل

سومین شرط لازم برای تحقق برنامه ریزی در کارها و به دنبال آن رسیدن به فرهنگ کار مطلوب، شناخت درست نقطه شروع و موقعیت هر عمل است. اگر کاری که در صدد انجام آن هستیم را با شناخت انجام دهیم، هدف‌مند حرکت نموده و موفقیت بیشتری را نصیب خویش خواهیم کرد.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرمایند:

مَنْ جَهَلَ مَوْضِعَ قَدَمِهِ زَلَّ (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۸، ح ۲۷۵).

آن که از جای پای خود بی‌خبر باشد، خواهد لغزید.

انسان‌ها باید، مسائل کاری خویش را به درستی فهمیده و درک نمایند، تا با فهم درست مسائل و جهت‌گیری منطقی افکار و ایده‌های حاصل از شناخت صحیح و ارزیابی امکانات دولتی، به روند کسب و کار بهبود بخشند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةِ (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۷۲).

ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر اینکه تو درباره آن نیازمند به یک شناخت و معرفت هستی.

فهم درست از مسائل کاری، موجب می‌گردد تا فعالیت‌های اقتصادی کشور، در مسیر اصولی خویش حرکت کرده و اجازه به وجود آمدن ناپایداری‌های شغلی و تورم حاصل از آن، داده نشود، اگر امور در جامعه‌ای به همین صورت ادامه پیدا کند، آن جامعه به پیشرفت و سعادت خواهد رسید.

ج : محکم کاری در کارها

سومین بایسته فرهنگ کار مطلوب، محکم کاری و اتقان در انجام کارها است. دسته‌ای از مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ریشه در سست کاری و عدم اتقان در امور دارد در حالی که آموزه‌های اسلامی، هرگونه سستی و سهل‌انگاری را منع نموده و به محکم کاری (اتقان در امور) سفارش کرده است. خداوند کریم می‌فرماید:

وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (نمل، ۸۸).

ای رسول ما، کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری در حالی که مانند ابر در حرکتند. این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده و از کارهایی که انجام می‌دهید کاملاً آگاه می‌باشد.

یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف خلقت مورچه می‌فرماید:

... أَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى صَغِيرِ مَا خَلَقَ كَيْفَ أَحْكَمَ خَلْقَهُ وَ أَتَقَنَ تَرْكِيْبَهُ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۲۷۰، خطبه ۱۸۵).

آیا نگاه نمی‌کنید به خلقت مورچه که خداوند چگونه او را محکم آفرید و ترکیبش را متقن قرار داد.

با توجه به آیه و روایت فوق باید گفت که خداوند نظام هستی را بر اساس اتقان خلق نموده، لذا دوست دارد افعال بندگانش هم بر همین سبک باشد. پس باید اذعان نمود تحقق اهداف فرهنگ کار مطلوب، مستلزم وجود اتقان و محکم کاری در امور است؛ و فقدان آن مانع بزرگی بر سر راه مطلوب‌سازی فرهنگ کار در جوامع اسلامی قلمداد می‌شود. برای تحقق محکم کاری در حیطة مسائل کاری، به وجود مؤلفه‌های زیر نیاز است:

۱- تدبیر و دوراندیشی

تدبیر و دوراندیشی، باعث تغییر و تحول اساسی در مسیر زندگی انسان‌ها می‌شود. آن‌ها فقط در زندگی دنیایی ما نقش مهمی را ایفا نمی‌کنند، بلکه در حیات اخروی‌مان نیز تأثیرگذار خواهند بود. بنابراین، کسانی که در انجام کارها، به عاقبت آن نیز فکر می‌کنند، نسبت به دیگر افراد موفق‌تر هستند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:



أَيُّهَا النَّاسُ! ... لَا خَيْرَ فِي دُنْيَا لَا تَدْبِيرَ فِيهَا (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة
الأطهار، ج ۷۰، ص ۳۰۷).

ای مردم! در دنیایی که تدبیری در آن نباشد، خیری نیست.

در عصر حاضر، تدبیر و دوراندیشی، لازمه انجام هر کاری است؛ زیرا که در جوامع متلاطم
امروزی، ریسک‌پذیری به ندرت موجب پیشرفت انسان‌ها است، ولی در بیشتر مواقع باعث
شکست و نابودی افراد می‌شود. در مدیریت و رهبری، به دوراندیشی و آینده‌نگری جایگاه ویژه‌ای
اختصاص داده شده است، به طوری که یک مدیر موفق به فردی اطلاق می‌شود که توانایی بالایی
در آینده‌نگری یا دوراندیشی داشته باشد.

آینده‌نگری تقریباً معادل لفظ تدبیر است. همان‌طور که، تدبیر به معنای بررسی کردن عواقب
کارها و سنجیدن مصالح و عمل کردن بر طبق آن است، آینده‌نگری همان گسترش افق دید در
انسان و درک پندارهای مخفی در مسائل و زمانی است که شخص در آن به زندگی خویش ادامه
می‌دهد، بنابراین، نتیجه درک آینده، چاره‌اندیشی برای رخدادهای احتمالی است که در زندگی
انسان به وجود خواهند آمد.

منسوب به امام علی عليه السلام است که می‌فرمایند:

مَنْ قَعَدَ عَنْ جِيلَتِهِ أَقَامَتْهُ الشَّدَائِدُ (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۴، ح ۱۰۱۶).

هر که از چاره‌سازی کار خویش فرو نشیند، سختی‌ها و شداید، او را بر سرپا خواهند کرد.
وضعیت آینده هر انسانی وابسته به کارهایی است که امروز انجام می‌دهد. از این‌رو باید در
آغاز هر کاری نتیجه آن را سنجیده و میزان تأثیر آن را در سرنوشت خویش بشناسد و اگر از اقسام
کارهای بی‌فایده است، از انجام آن خودداری نماید.

انسان نباید هرگز بدون تأمل و دقت دست به انجام کاری بزند، برای این کار باید چند نکته را
در نظر داشته باشد:

الف) آمادگی کافی برای مقابله با رخدادهای احتمالی زندگی را داشته باشد.

ب) از تجارب و آموزه‌های زندگی خویش و دیگران بهره ببرد.

ج) توان رسیدن به اهداف خویش را، به کمک آینده‌نگری تقویت بخشد.

امام علی عليه السلام می‌فرمایند:

...أَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خِفْتَ ضَلَالَتَهُ فَإِنَّ الْكُفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ
زُكُوبِ الْأَهْوَالِ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۹۱۰، نامه ۳۱).

از رفتن به راهی که بیم گم شدن در آن می‌رود، خودداری کن، زیرا که خودداری از
وقوع در سرگردانی، بهتر است از اقدام به کارهای هولناک برای رهایی.

به‌طور کلی آینده‌نگری، لازمه مدیریت یک انسان، در امور فردی و اجتماعی است و بدون آن
موفقیت و کامیابی در زندگی حاصل نخواهد شد؛ زیرا آدمی در طول زندگی خویش به ویژه در
دوران جوانی، همواره با مسائلی مواجه می‌شود که نیازمند اندیشیدن، تدبیر نمودن و آینده‌نگری
است. چون: انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل، انتخاب همسر، انتخاب محل سکونت و...،
که هر کدام از این مسائل برای شخص، یک امر سرنوشت‌ساز تلقی خواهد شد.

بنابراین، اندیشیدن در امور زندگی انسان، بسیار با اهمیت است، زیرا افراد بدون آن ممکن
نیست کارهایشان به نتیجه مؤثر و منطقی که مدنظر آن‌ها است، دست یابد و اگر هم ممکن
باشد، آینده و نتیجه خوبی در پیش نخواهد داشت.

تنها با اندکی دقت می‌توان متوجه شد که در مفهوم ایمان، توجه به آینده و برنامه‌ریزی برای
ساختن فردایی باشکوه و سرشار از لطف و نعمت الهی نهفته است. پس انسان‌ها باید با
برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، افق‌هایی از فردا را برای خود روشن سازند و با کوشش و پشتکار
برای دستیابی به آنها تلاش کنند.

امام علی (ع) می‌فرمایند:

اسْتَدِلْ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ (نهج البلاغه صبحی صالح،
ص ۹۳۵، نامه ۳۱).

آن چه را نشده است، بر آن چه شده قیاس کن، که کارها و امور همانند یکدیگر است.
هنگامی که در چالشی کاری گرفتار می‌شویم، به جای خودخوری و حرص و جوش خوردن،
کافی است بدانیم نحوه برخورد گذشتگان، یا افرادی که آن کار را انجام داده‌اند، چگونه بوده و به
چه نتایجی دست پیدا کرده‌اند، در این صورت، کمتر منابع خویش از جمله وقت، انرژی و نیروی
بدنی و امکانات مادی را از دست خواهیم داد و به آن چه که مورد نظر خویش است، آسان‌تر
دست پیدا می‌کنیم.

از آن جایی که، زندگی انسان‌ها دارای فراز و نشیب زیادی است، و هر کسی به نحوی با مشکلات زندگی درگیر شده و آن‌ها را رفع می‌نماید، پس برای برآمدن از پس مشکلات زندگی، هر فردی نیاز به تدبیر دارد و کسی که با تدبیر و اندیشیدن میانه خوبی نداشته باشد، نمی‌تواند به راحتی با مشکلات کنار بیاید، زیرا کنار آمدن با مشکلات و تدبیر امور چندان هم کار سختی نیست و تنها با دانستن نکاتی چون: سخت‌کوشی، استفاده از هوش ذاتی، بهره‌بردن از امور سنجیده، تفکر کردن به صورت دائمی و بلند مدت، مقایسه کردن امور متشابه و ارزیابی نتایج حاصل از آن و ... به آن دست یافت.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

يَا بَنِي! إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ، فَلْيَحْفَظْ لِسَانَهُ، وَ لِيَعْرِفْ أَهْلَ زَمَانِهِ
(امالی، ج ۱، ص ۱۴۶).

فرزندم! شخص عاقل ناگزیر باید در کار خود بیندیشد، و زبان خود را نگاه دارد، و مردم زمان خود را بشناسد.

اندیشیدن از روی عقل برای انجام کارها، به دلیل تأثیر اعمال در زندگی انسان، از اهمیت زیادی برخوردار است، زمانی که شخصی تصمیمی برای انجام کاری می‌گیرد، در ابتدای امر، باید به نتیجه و عواقب آن بیندیشد، اگر انجام آن کار، نتیجه نیک در برداشت، آن را با تمام نیرو انجام دهد و در غیر این صورت، از انجام آن خودداری نماید.

باید در نظر داشت که، یکی از بهترین راه‌های انجام سریع کارها، آن است که انسان، قبل از شروع هر کاری، تمام مقدمات مورد نیاز آن را فراهم نموده و سپس به انجام آن کار بپردازد. مقدمات کاری که به عنوان ابزار آن کار نیز شناخته می‌شوند، مانند تفنگی آمده و پر در دست تیرانداز، یا مانند یک تیر در کمان گذاشته شده و آماده تیراندازی در دست یک کمان‌گیر است.

امام جواد علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده، و می‌فرماید:

التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ (تحف العقول عن آل الرسول، صص ۷۰ و ۹۷).

تدبیر کردن پیش از عمل، مانع پشیمانی است.

طبق فرمایش فوق امام علیه السلام، می‌توان نتیجه گرفت که، اگر فردی در کارها بدون توجه به فرجام و عاقبت آن وارد شود، خویش را در معرض رخدادهای ناپسند و غیر قابل جبران قرار

می‌دهد، بنابراین تدبیر و دور اندیشی، پیش از عمل، علاوه بر نشان دادن راه‌های درست و پر ثمر، انسان را از پشیمانی ایمنی می‌بخشد.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

«قَدَّرْتُكُمْ أَقْطَعُ وَ فَكَّرْتُكُمْ أَنْطِقُ وَ تَبَيَّنْتُكُمْ أَعْمَلُ (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۵،

ح ۶۱).

اندازه کن، سپس ببر؛ بیندیش، سپس بازگویی؛ و بسنج، سپس به کار برخیز.

بعضی از تصمیم‌ها، به نتایج ارزشمند و مطلوب خواهند انجامید، در صورتی که بعضی دیگر از نظر اقتصادی و شخصی بسیار نامطلوب و زیان آورند. وقتی پیامدهای تصمیمی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، علاوه بر رضایت‌مندی شخصی، سود اقتصادی آن نیز در نظر گرفته خواهد شد. پس، افرادی که، سر خود تصمیم‌هایی می‌گیرند که، پیامد و رضایت‌مندی بسیار کمی به دنبال دارد و به موفقیت کلی و نتایج ارزشمند آنها نمی‌اندیشند، از بسیاری موهبت‌های اثر بخش در زندگی خویش بی‌بهره خواهند ماند، باید گفت آن چه انسان در اختیار دارد، اندیشیدن و ارزیابی کارها است که به صورت توجیه و تفسیر، پیش‌بینی و تصمیم‌گیری جلوه می‌کند، تا انجام کارها ثمر بخش‌تر باشد.

پس به کارگیری عقل و تدبیر و دور اندیشی نه تنها بر روند زندگی شخصی یک فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه در روند زندگی کاری و شغلی او نیز تأثیرگذار خواهد بود، زیرا هرچه بر آگاهی مردم یک جامعه افزوده می‌شود، پیشبرد امور راحت‌تر خواهد بود و کارها با عقلانیت انجام می‌شود و ضریب خطا کمتر می‌شود.

۲- تخصص کاری

دومین مؤلفه لازم برای تحقق اتقان در کار و تولیدات و در نتیجه دست یافتن به فرهنگ کار مطلوب در جوامع اسلامی واگذاری کارها به کاردان و متخصص است. آن چه نیروی انسانی را با ارزش‌ترین سرمایه می‌کند، تخصص و دانش در کنار تعهد و وجدان کاری است که باعث می‌شود کار مفیدی در جوامع صورت پذیرد. به کارگیری افراد در کاری که با توانایی‌ها و اطلاعاتشان تناسب ندارد، می‌تواند زمینه ناخشنودی و کارگریزی را در افراد ایجاد نماید.

کارگریزی در بسیاری از افراد به یک امر طبیعی تبدیل شده است و بیشترین دلیل آن می‌تواند تنبلی و فرار از مسئولیت‌ها و گرفتن تصمیمات غلط فراوان باشد.

به نظر می‌رسد که، در سطح ملی ما می‌توانیم شاهد نوعی اشتباه در تلقی از کار کردن، ثروت‌اندوزی و... باشیم؛ زیرا علاوه بر آن که، میزان انگیزه پیشرفت در بین مردم کشور ما، کم است و آن‌ها صرفاً برای دستیابی به استانداردهای مطلوب زندگی خود است که، تن به انجام کار می‌دهند. در نتیجه، پس از تأمین نیازهایشان، دیگر نیازی به تلاش، پشتکار و سخت‌کوشی در زمینه تخصصی خویش نخواهند داشت.

به‌علاوه گرفتن تصمیمات غلط فراوان در عرصه‌های مختلف کاری، خود نشان از بی‌تجربگی و محدودیت علم و دانش کارکنان خواهد بود، این موضوع خود، صدمات جبران‌ناپذیری را به فرد و جامعه وارد می‌سازد. امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«... لَا يُعَدَّنَ فِي السُّوقِ إِلَّا مَنْ يَعْقِلُ الشَّرَاءَ وَ الْبَيْعَ»

«هرکس احکام شرعی خرید و فروش را نمی‌داند، نباید در بازار به کار مشغول شود.»

(کافی، ج ۵، ص ۱۵۴)

طبق فرمایش فوق، اهمیت تخصص کاری در افراد تا جایی است که، بدون دارا بودن آن، نباید در حوزه و عرصه‌های اقتصادی وارد شد، زیرا داشتن تخصص به عنوان معیاری برای شخصیت انسان‌ها معرفی شده است. زیرا همان‌گونه که انسان‌ها به پدران خویش نسبت دارند و با پدرانشان، قدر و منزلت پیدا می‌کنند، به همین صورت نیز، با کار، مهارت و تخصص خود نسبت داده می‌شوند و قدر و منزلت کسب می‌نمایند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«... الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ (نهج البلاغه صبحی صالح،

ص ۴۸۱، خطبه ۱۵۴).

هر کس با علم (دانایی و بصیرت) عملی انجام دهد، همچون کسی است که به راه راست به پیش رود.

حوزه کاری هر فردی بر اساس تخصص آن فرد تعیین می‌شود، یعنی مطلوب و پسندیده این است که، افراد در زمینه‌ای که تخصص دارند، به کسب و کار بپردازند، تا موفقیت بیشتری را نصیب خویش نمایند.

اصبغ بن نباته می‌گوید: از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام شنیدم که بر بالای منبر می‌فرمودند:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمَشْجَرِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمَشْجَرِ وَاللَّهِ لَلرَّبِّبَا فِي هَذِهِ
الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا سُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقِ التَّاجِرِ فَاجِرٍ وَ
الْفَاجِرِ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ (كافى، ج ۵، ص ۱۵۰)

ای صنف تاجر و کاسب! اول فقه بعد تجارت! اول فقه بعد تجارت! اول فقه بعد
تجارت! که به خدا سوگند، «ربا» در این امت پوشیده‌تر از راه رفتن مورچه است، بر روی
سنگ صاف.

نداشتن اطلاعات کافی برای انجام کارها، از مهمترین عوامل نیمه تمام گذاشتن یا انجام
ندارست آن‌ها خواهد بود، گاهی نیز ممکن است، وجود این علت، موجب بروز مشکلات بزرگی
در جامعه گردد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ»

«ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو درباره آن نیازمند به یک شناخت و

معرفت هستی.» (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۷۲)

پس می‌توان نتیجه گرفت که، نظم، ترتیب و آرامش، زمانی در جامعه برقرار می‌شود که هر
چیز و هر کس در جایگاه واقعی خود قرار بگیرد. در این صورت فعالیت‌های جامعه، بدون هیچ
اشکالی انجام شده و کارها در نهایت آرامش و سرعت به پیش می‌روند؛ زیرا هر کسی مسئولیت
واقعی خود را با توجه به تخصص کاری خود عهده‌دار شده است.

۳- مشورت و استفاده از تجارب دیگران

سومین مؤلفه لازم برای تحقق اتقان و محکم کاری در مقوله کار، مشورت و استفاده از تجارب
افراد مجرب است. انسان‌های دوراندیش، برای حل مشکلات و راه‌یابی به نظرهای درست در
حیطه زندگی فردی و اجتماعی خویش، برای انجام درست و بهینه کارها، همواره با افراد خردمند
و با تجربه مشورت کرده و از رأی و نظر آن‌ها برای گشودن گره‌ها بهره‌مند می‌شوند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا مُمْظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۱۳۹، قصار ۱۱۳)

هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست.

در جامعه‌ای که در آن مشورت نمودن، به عنوان اصلی مسلم دانسته شده و از اجزای حیات آن معرفی می‌شود، همواره بهترین راه و مناسب‌ترین مسیر در برابرشان گشوده خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ (الإرشاد للمفید، ص ۱۴۲)

هر کس با خردمندان مشورت کند، به آن چه صواب است، راهنمایی شود. بنابراین، مشورت با کسانی که اهل تجربه هستند، می‌تواند انسان را از خطای گذشتگان مصون دارد و به درستی رهنمون کند، به همین سبب، مشورت با اهل تجربه در آموزه‌های دینی ما توصیه شده است.

منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ يَجْمَعَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ (غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۶۹، ح ۵۳).

سزاوار انسان خردمند است که رأی خردمندان را بر رأی خویش بیفزاید، و دانش و آگاهی خویش را با به دست آوردن دانش حکیمان و دانایان افزون سازد. هدف اصلی از مشورت کردن، استفاده از نظر دیگران و شفاف‌تر شدن مسائل و آشکار شدن زوایای پنهان کارها برای تصمیم‌گیری و اجرای هر چه بهتر امور است. بنابراین، مشورت، در صورتی مؤثر است که، در مسائل پیچیده‌ای که افراد توان تصمیم‌گیری ندارند، بتواند به وسیله آن، راه‌حل‌های بهتر و ثمر بخش‌تری به دست آید. منسوب به امام علی علیه السلام است که در جای دیگری می‌فرماید:

مَا اسْتَنْبَطَ الصَّوَابُ بِمِثْلِ الْمَشَاوَرَةِ (همان، ص ۳۰۸، ح ۷۴).

راه حق و صواب از هیچ‌جا بهتر از مشاوره به دست نمی‌آید.

با توجه به فرمایش امام علیه السلام، مبنی بر ارزشمند بودن اصل مشورت، می‌توان فلسفه مشاوره نمودن با خردمندان و افراد عاقل را در نکاتی دانست، که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. بهره‌مندی از اندیشه صاحب‌نظران، ۲. استفاده از تأیید و حمایت دیگران برای انجام کارها، ۳. جلوگیری از سرزنش شدن توسط دیگران در خصوص عواقب کاری، ۴. ارتقاء سطح رشد فکری مردم، ۵. احتراز از استبداد رأی و ایجاد تفاهم در بین مردم.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَا ضَلَّ مَنِ اسْتَوْشَدَ وَلَا حَارَ مَنِ اسْتَشَارَ الْحَاظِمُ لَا يَسْتَبِدُّ بِرَأْيِهِ (بحار الأنوار
الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۸، ص ۱۳، ح ۷۰)

آن که راه پرسید، گمراه نگشت، و آن که مشورت کرد، حیران نماند. دوراندیش
محکم کار، خودرأی نیست.

طبق آموزه‌های اسلامی، انسان‌ها اجازه دارند برای دستیابی به راهکارهای اساسی و اصیل،
برای مواجه شدن با مسائل و مشکلات در حیطه کاری، از نظرات و تجربیات دیگران بهره‌مند
گردند. بنابراین، برای انسان‌ها در کسب تجربه‌های دیگران محدودیتی وجود ندارد، از
آن جایی که، تجربه‌های دیگران، چون علوم آماده‌ای است که شخص می‌تواند بدون از دست
دادن هزینه‌هایی مانند: صرف وقت و انرژی بدنی، از آن‌ها بهره‌مند شود و بدون آن که اشتباهی
را تکرار کند، از ثمره علم دیگران برخوردار شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... فَقَدْ جَرَّبْتُمُ الْأُمُورَ وَ صَرَّسْتُمُوهَا وَ وُعِظْتُمْ بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ... وَ مَنْ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ
بِالْبَلَاءِ وَ التَّجَارِبِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنَ الْعِظَةِ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۵۷۳،
خطبه ۱۷۶).

شما خود کارها را تجربه کردید و آزمودید، و با یادآوری سرگذشت پیشینیان موعظه
شدید... آن کس که از بلا (آزمون) و تجربه پند نگیرد، از هیچ پند و اندرزی سودی به
چنگ نخواهد آورد.

نکته‌ای که از این سخن امام علیه السلام به دست می‌آید، این است که بهره‌گیری از تجارب دیگران،
شیوه افراد زیرک است، زیرا گاهی موانع بزرگ و مشکلات زیادی، در مسیر زندگی انسان‌ها به وجود
می‌آیند که آن‌ها را از رسیدن به هدف، مأیوس می‌کنند؛ در این هنگام استفاده از تجربه‌های دیگران،
این موانع و مشکلات را برطرف ساخته و ناامیدی فرد را به امیدواری تبدیل می‌کند، بر این اساس،
دیگر برای به دست آوردن راه حل، نیازی به تکرار تجربه نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ
الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعِيَّتَهُ وَ تَجْرِبَتُهُ فَتَكُونَ قَدْ كَفَيْتَ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ وَ
عُوفِيْتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ فَاتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ ... (نهج البلاغه صبحی
صالح، ص ۹۱۲، نامه ۳۱)

(پسرم) پیش از آنکه دلت سخت و عقلت مشغول شود، به ادب کردن تو پرداختم، تا مجدّانه به کار برخیزی، و از تجربه‌هایی که دیگران زحمت آن را کشیده‌اند بهره‌مند گردی، و خود از رنج جستجو بیاسایی و از پرداختن به تجربه مجدّد معاف شوی، و از این راه حاصل آن چه ما آموذیم در اختیار تو قرار گیرد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که، بهترین راه صرفه‌جویی در زمان و مدیریت آن و بهره‌برداری درست از فرصت‌ها، استفاده از تجربه و آموخته‌های دیگران است، انسان با جمع‌آوری تجربه‌های تلخ دیگران، از تکرار اشتباهاتش خواهد کاست، و در این صورت هرگز عمر با ارزش خویش را، به بهای ناچیز و پوچ نخواهد فروخت.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْأُمُورَ إِذَا اسْتَبَهَتْ اُعْتَبِرَ آخِرُهَا بِأَوَّلِهَا (تهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۱۸،
قصار ۷۶)

هنگامی که کارها و امور وضعیت نامعلومی پیدا کنند، می‌توان سرانجام هر یک را از چگونگی اول آن حدس زد.
باید چند نکته را در نظر بگیریم که:

الف) اگر کسی بهتر از افراد دیگر در انجام کارها، نتیجه می‌گیرد، به خاطر این است که طرز استفاده درست از تجارب دیگران را آموخته است.

ب) انسان باید از نتایج خوب و بدی که مردم در زمان‌های گذشته از رفتار و کردار اجتماعی و فردی خویش دیده‌اند، استفاده کند.

ج) چگونگی ورود برای انجام کارها و امور، وضعیت سرانجام آن را مشخص و معلوم می‌نماید.

۴- تشویق و تنبیه کارکنان

چهارمین مؤلفه لازم برای تحقق اتقان در کار و تولیدات دلگرمی‌کارگر می‌باشد. این مهم به دست نمی‌آید، مگر با تحقق عنصر تشویق و تنبیه به‌جا؛ چرا که یکی از قواعد رفتار انسان‌ها، این است که عملکردی را که برای آن پاداش دریافت کرده است، بیشتر تکرار خواهد کرد. پاداش و تنبیه مالی، به عنوان مؤثرترین عامل انگیزه و عدم توجه به عوامل و ملاحظات گروهی و اجتماعی به شمار می‌آید.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

يُؤَخَذُ بِهِ لِلصَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرًّا وَ يَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ (نهج البلاغه
صبحی صالح، ص ۱۲۵، خطبه ۴۰).

به وسیله او (رئیس جامعه)، حق ناتوان از توانا گرفته می شود، تا نیکوکار خیراندیش آرامش داشته باشد، و نابکار شر نرساند.

برای انجام گرفتن کارها، باید پاداش‌ها و تنبیه‌هایی مطابق با آن، در نظر گرفته شود، تا امکان بهره‌بری در کارها و عملکرد کارکنان بهتر گردد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

... مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَيَّ طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيهِمْ
مَدْعُو... (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۹۶۶، نامه ۴۵)

... گمان نمی کردم که تو (ای فرماندار بصره!) دعوت کسانی را بپذیری که مستمندشان رانده باشد، و توانگرشان خوانده ...

البته تشویق و تنبیهی که مورد نظر اسلام است، تشویق و تنبیهی است که با جهت‌گیری و هدف اصلاحی همراه باشد؛ یعنی هدف نهایی از تشویق و تنبیه‌ها، بهبود و اصلاح عملکرد افراد باشد؛ زیرا تشویق و تنبیه‌های خداوند متعال - یعنی ثواب و عقاب‌هایی که خداوند متعال در نظر گرفته است - جنبه اصلاحی دارد و در جهت سوق دادن افراد به سوی انجام کارهای نیک و بازداشتن آنها از انجام کارهای بد و ناپسند است، ما هم باید این گونه رفتار نماییم.

۵- تقویت تعهد کاری

پنجمین عنصر لازم برای تحقق استحکام در کار و تولید و در نتیجه رسیدن به یک فرهنگ کار مطلوب در جامعه اسلامی تعهد کاری می‌باشد. تعهد کاری همان وجود یک نیرو و کُنش مثبت در فرد، نسبت به رعایت حقوق دیگران است که با توجه به اصول و قواعد اخلاقی، مورد تأیید فرهنگ کار مطلوب در جامعه باشد. دستیابی به تعهد کاری در افراد جامعه، متفاوت است و وجود و بهره‌گیری از آن، موجب تعالی و رشد در انجام کارها خواهد شد، با تقویت این ویژگی، منابع انسانی به شکل هدفمند و معقول، مورد استفاده قرار می‌گیرند و این مهم خود باعث پیشرفت اقتصادی جامعه خواهد شد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يُفْرَغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ فَإِذَا يُفْرَغُ مِنْ ذَلِكَ اشْتَغَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ (عدة الداعى و نجاح الساعى، ص ۱۰۱؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، صص ۴۱۸-۴۱۷).

چون علی علیه السلام از جهاد فراغت می‌یافت، به کار تعلیم مردمان و داوری کردن در مراجعات ایشان می‌پرداخت؛ و چون از این یک فارغ می‌شد، در باغچه‌ای که داشت با دست خود به کار مشغول می‌گشت، و با وجود این، در حال ذکر بود.

امام علی علیه السلام، شخصیتی با تعهدات کاری بسیار بالا بودند، ایشان نه تنها از انجام امور خسته نمی‌شدند، بلکه آنها را، با نهایت دقت و توجه انجام داده و به بهترین نتایج می‌رسیدند. امام علی علیه السلام در مورد تعهد در انجام کارها می‌فرمایند:

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَحْسِنُهُ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۱۲۲، قصار ۸۱)

ارزش هر کس به کاری است که آن را خوب انجام می‌دهد (و در آن مهارت دارد).

با تقویت تعهد کاری، ویژگی‌های اخلاقی خاصی در انسان‌ها به وجود می‌آید، که عبارتند از: دقت و توجه کافی برای انجام امور، تلاش برای انجام درست کارها، رسیدن به وجدان کاری بالا، مسئولیت‌پذیری و...؛ همه این فضایل اخلاقی، دارای نشانه‌هایی هستند که برخی از آنها عبارتند از: اصل انجام گرفتن کار، مفید بودن کار، سرعت عمل در کار، محکم کاری و گشاده‌رویی در کار.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

... وَ بِالْإِيمَانِ يَعْمَرُ الْعِلْمُ ... (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۸۸، خطبه ۱۵۶)

... به وسیله ایمان (باور و تعهد) است که علم و دانش آباد می‌گردد [و نتایج مثبت به بار می‌آورد، و به فرد و جامعه سود می‌رساند].

پس می‌توان نتیجه گرفت که، ماهیت تعهدی انسان با مکانی که در آن به فعالیت مشغول است، به سه صورت امکان‌پذیر خواهد بود:

الف) این فرد دارای تعهدی است که با احساس و عاطفه وی در ارتباط است، بنابراین کار برایش ارزشمند بوده و می‌خواهد که بماند، تا به فعالیت‌هایش ادامه دهد.

ب) افرادی که تعهد مستمر قوی دارند، ارتباط عاطفی با انجام کار و فعالیت خویش ندارند، ولی در جایگاه شغلی خویش می‌مانند، زیرا به آن نیاز دارند.

ج) افرادی که، تعهد تکلیفی نسبت به شغل خویش دارند، آنان نیز در جایگاه کاری خود باقی می‌مانند، زیرا احساس می‌کنند، باید بمانند. در هر حال، باید در نظر گرفت که فرد با داشتن تعهد نسبت به کار خویش، از هر نوعی که باشد، موجب پیشرفت ارتقاء سطح پویایی در جامعه خویش خواهد شد.

۶- شایسته‌سالاری

ششمین و آخرین مؤلفه لازم برای رسیدن به اتقان در مقوله کار و تولید شایسته‌سالاری است. شایسته‌سالاری موجب موفقیت در کار و به دنبال آن ایجاد انگیزه در فرد می‌شود، اگر انسانی بخواهد در کارش انگیزه داشته باشد و از آن لذت ببرد، باید آن را به بهترین صورت ممکن انجام دهد، در این صورت رضایت درونی برایش حاصل شده و به شایستگی‌های خویش باور پیدا خواهد کرد، نتیجه این رضایت درونی، در جامعه هم، آشکار شده و به طبع آن، رضایت دیگران هم ایجاد خواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَنْتَ كَأَنْ يَعْْمَلَ بِيَدِهِ وَيَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَ لَقَدْ كَانَ يَرَى وَ مَعَهُ الْقَطَاؤُ مِنْ الْإِبِلِ عَلَيْهَا النَّوَى فَيَقَالُ لَهُ مَا هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ فَيَقُولُ: نَحْلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَيَغْرِسُهُ فَمَا يَغَادِرُ مِنْهُ وَاحِدَةً (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۵۰۱)

و با دستان خود کار می‌کرد و در راه خدا به جهاد می‌رفت... او را می‌دیدند که با یک قطار شتر، با بار هسته خرما، در حرکت است، و چون به او می‌گفتند: یا ابا الحسن! اینها چیست؟ می‌گفت: درخت خرما این شاء الله؛ پس آنها را می‌کاشت و حتی یکی از هسته‌ها را دور نمی‌انداخت.»

باید این نکته را در نظر داشته باشیم که، همواره ضوابط بر روابط مقدم خواهد بود، مدیران باید بر طبق ضابطه عمل نمایند، حتی اگر روابط، مخدوش شود. زیرا در روابط انسانی، از جمله چیزهایی که انسان را آزار می‌دهد، بی‌توجهی نسبت به کسانی است که، آنها برای ما کاری انجام می‌دهند و ما برخلاف اصل ضابطه‌مداری و شایسته‌سالاری، فردی را که اصلاً مورد تأیید و

مقبول در فرهنگ کاری نیست، برای تصدی برخی از امور انتخاب می‌نماییم و این جای بسی تأسف دارد. منسوب به امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

مَنْ أَحْسَنَ الْكَفَايَةَ اسْتَحَقَّ الْوِلَايَةَ (غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۱، ح ۱۰۳۸).

آن کس که درست از عهده اداره امور برآید شایستگی رهبری بر امت را دارد.

در جامعه‌ای که ضابطه‌مداری و شایسته‌سالاری حاکم باشد، آن جامعه دارای رشد سریع اقتصادی و پیشرفت‌های بهینه خواهد بود. مهارت‌ها و انواع شایستگی، اغلب با عنوان شایستگی‌های عملی و یا تحت عنوان صلاحیت‌های شغلی خوانده می‌شوند. فردی که قرار است متصدی امور جامعه شود یا کار مهمی را در جامعه بپذیرد، باید دارای شایستگی‌های عملی، رفتاری، ذهنی (هوش هیجانی) باشد. باید این مسأله را در نظر داشت که، همه افراد در برابر قانون و اجرای ضابطه مساوی هستند و تنها بر اساس قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود، مشغول به انجام وظیفه و کاری خواهند شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تمام شئون حکومت خویش، حق محوری و شایسته‌سالاری را بر مصلحت اندیشی ترجیح می‌دادند، ایشان علیه السلام در نصب کارگزاران حکومتی نیز چنین رفتاری داشتند و جز صالحان و شایستگان، کسی را به امارت منصوب نمی‌کردند؛ یعنی ایشان، هیچ‌گاه با توجه به موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی افراد و یا داشتن امتیازهای گوناگون، به انتصاب یا انتخاب افراد نمی‌پرداختند و به جز تقوا و کاردانی، در انتصاب آنان به چیز دیگری توجه‌ای نداشتند («شایسته‌سالاری در حکومت دینی»، دانش‌نامه موضوعی قرآن کریم، ص ۳).

مغیره بن شعبه، در نخستین روزهای خلافت امام علی، نزد ایشان رفت و از سر نصیحت و خیرخواهی به آن حضرت علیه السلام پیشنهاد می‌دهد، برخی والیان و به خصوص معاویه را از کار برکنار نکند و تا تثبیت اوضاع و اعلام بیعت همه شهرها در انتظار بماند. اما امیرمؤمنان علی علیه السلام، در پاسخ وی و دیگرانی همچون ابن عباس که چنین نظرانی داشتند، فرمودند:

«به خدا قسم! در کار دینم به خوشامد کسی کار نمی‌کنم و در کار خود ریا نمی‌ورزم.»

(مروج الذهب، ج ۱، صص ۷۱۱-۳)

ایشان، درباره معاویه نیز فرمودند:

«به خدا قسم که معاویه را دو روز هم به حکومت وا نمی‌گذارم.» (الکامل، ج ۳، ص ۱۹)

اصل شایسته‌سالاری و ضابطه‌مداری، آن قدر از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مهم بود که اگر شخصی را در آغاز برای مسئولیتی شایسته می‌دیدند و در ادامه با تغییر شرایط، می‌دیدند که او شایسته مسئولیتی مهم‌تر است، بلافاصله او را ارتقاء مقام می‌دادند، ولی این جابه‌جایی را همراه با تجلیل و تکریم از کارگزاری که از مسئولیت کنار گذاشته شده بود، انجام می‌دادند.

نتیجه‌گیری

۱- پس از بررسی‌های کلی به عمل آمده، در مورد فرهنگ کار جوامع به خصوص کشور جمهوری اسلامی ایران، به این مهم دست یافته‌ایم که، آن را می‌توان در چند بایسته‌ی مهم خلاصه کرد، که عبارتند از:

الف) وجدان‌کاری؛ ب) نظم و برنامه‌ریزی در انجام کارها؛ ج) اتقان و محکم‌کاری در کارها؛
۲- مشورت و رایزنی در انجام کارها و ایجاد اتاق فکر؛ با کارهایی چون: مراعات حکمت در رأی‌خواهی، نیک‌خواهی در رایزنی، آزاداندیشی و نظرخواهی، منع استبداد و خودرأیی، استفاده و بهره‌گیری از تجارب دیگران؛ ارتباط مستقیم دارد.

۳- همیشه در نظر داشته باشیم که، قانون حاکم بر فرهنگ کار مطلوب، قانون باورها است؛ باورهای عالی سرچشمه همه موفقیت‌های بزرگ خواهند بود؛

۴- وجود نیروی انسانی متعهد و کار آزموده، می‌تواند جامعه را در دستیابی به اهداف خود یاری نماید.

۵- تحول‌های اقتصادی معلول تحول فرهنگ کار و برگرفته از آن است، پس با تحول زیربنایی در هدف مطلوب‌سازی فرهنگ کار، می‌توان فعالیت‌های اقتصادی در جوامع را از حالت رکود فرهنگی خارج نمود و به رشد و توسعه هرچه بیشتر آنها انجامید.

۶- افراد متخصص باید در جایگاه مدیریت جامعه قرار بگیرند تا بتوانند علاوه بر انجام بهینه کارها، مسئولیت هدایت دیگر افراد را نیز عهده‌دار شوند.

۷- در کشور اسلامی ما، توجه به روند اقتصادی و اوضاع حاصل از آن، با دیگر جوامع کمی تفاوت دارد، اگر به اقتصاد کشور توجه جدی نشود، مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی به صورت فراگیر بر زندگی تمامی افراد جامعه اثر می‌گذارد و نظام اسلامی تضعیف خواهد شد و به دنبال این رویکرد، اعتقادات و باورهای دینی مردم، کم‌رنگ شده، بی‌فرهنگی در جامعه، رواج

پیدا خواهد کرد، بنابراین مدیران اقتصادی، باید برای تحکیم نظام اسلامی به حماسه اقتصادی توجه جدی داشته باشند.

۸- وجدان کاری، خمیره و جوهره کار می‌باشد و نقش حیاتی در تکوین همه اصول کاری از قبیل ساختارها، کارکردها، رفتارها و عملکرد آن ایفا می‌نماید.

۹- خلاقیت و نوآوری پیش درآمد توسعه و پیشرفت در یک جامعه است. ابتکار و نوآوری از سویی باعث افزایش رغبت نیروی کار برای ادامه روند کارها می‌شود و از سوی دیگر با ایجاد مسیرهای زود بازده، رسیدن به اهداف را، در مدت زمان کوتاه‌تری میسر می‌نماید. هم‌چنین استفاده از ایده‌های نوآورانه، باعث جلوگیری از هدر رفتن منابع مهم کشور می‌گردد.

۱۰- فرهنگ کار شایسته در اسلام، مبتنی بر تقسیم کار عادلانه خواهد بود.

۱۱- توسعه امنیت شغلی در الگوی ایرانی - اسلامی، به دلیل برخورداری از ابعاد اقتصادی، علم و فناوری، اجتماعی، سیاسی و...، توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن بوده، و به نوعی با وجود رویکرد علم‌محور، توسعه‌ای دانش‌بنیان داشته و با تأثیر شگرف، اصول و ارزش‌های اخلاقی با محوریت دین مبین اسلام، می‌توان آن را نوعی توسعه فرهنگ کار انسانی دین‌محور دانست.

۱۲- عصر حاضر، تدبیر و دوراندیشی، لازمه انجام هر کاری است؛ زیرا که در جوامع متلاطم امروزی، ریسک‌پذیری به ندرت موجب پیشرفت انسان‌ها است، ولی در بیشتر مواقع باعث شکست و نابودی افراد می‌شود. در مدیریت و رهبری، به دوراندیشی و آینده‌نگری جایگاه ویژه‌ای اختصاص داده شده است، به طوری که یک مدیر موفق به فردی اطلاق می‌شود که توانایی بالایی در آینده‌نگری یا دوراندیشی داشته باشد.

۱۳- آینده‌نگری، لازمه مدیریت یک انسان، در امور فردی و اجتماعی است و بدون آن موفقیت و کامیابی در زندگی حاصل نخواهد شد، زیرا آدمی همواره نیازمند اندیشیدن، تدبیر نمودن و آینده‌نگری در مورد مسائلی است، که هر کدام از آن‌ها برای شخص، به عنوان یک امر سرنوشت‌ساز تلقی خواهد شد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- «اخلاق کار اسلامی»، نصر، سیدحسین، مترجم: سیداحمد موثقی، نشریه کار و جامعه، شماره ۳۱، تیر و مرداد ماه ۱۳۷۸ ه.ش.
- «ارتباط فرهنگ عامه با فرهنگ عمومی»، حسینی کازرونی، سید احمد، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۳ ه.ش.
- «بررسی میزان تأثیر و نقش عوامل مؤثر بر وجدان کاری»، لیاقت‌دار، محمدجواد (دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان)؛ حسن علی بختیار نصرآبادی (دانشیار گروه علوم تربیتی علمی دانشگاه اصفهان)؛ فاطمه سمیعی (دانشجوی دکتری مشاوره شغلی)؛ بی‌بی وجهیه هاشمی، (کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره پیاپی: ۴۱، شماره اول-بهار ۱۳۹۰ ه.ش.
- «تعهدات سازمانی در بنگاه‌های کارآفرینی کوچک در سنگاپور از طریق مدیریت فرهنگی»، مک‌کنا، اِس، شماره ۱۲، چاپ دوم، ۲۰۰۵ م.
- «دنیابگرای، آسیبی فرهنگی؛ از منظر قرآن»، احمدزاده، سید مصطفی، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی.
- «شایسته‌سالاری در حکومت دینی»، موسوی، سید صمد، دانش‌نامه موضوعی قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶ ه.ش.
- «قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه»، کاویانی، محمدهادی (دانش‌آموخته دکتری و مدرس پردیس قم دانشگاه تهران)، مقاله علمی-پژوهشی، مقاله ۴، دوره ۸، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱ ه.ش.

- «مطالعه تجربی درباره کارکنان بهداشت و درمان ترکیه: اثر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی»، پالا، اف و دیگران، مجله فعالیت‌های صنعتی و منابع انسانی، شماره ۱۰، چاپ دوم، ۲۰۰۸م.
- «وجدان کار عامل پویایی نظام اداری کشور، کار و جامعه»، سلطانی، ایرج، ۱۳۷۷ه.ش.
- «وظایف و تعهدات در محیط کار: به منظور دستیابی به یک الگوی جامع»، هرپرشوویچ، ال و جی.پی.میر، نشریه مدیریت منابع انسانی، شماره ۱۱، چاپ سوم، ۲۰۰۱م.
- الإرشاد للمفید، مفید، محمد بن محمد، ترجمه ساعدی، تهران، اسلامیه، ۱ جلد، چاپ اول، ۱۳۸۰ه.ش.
- الإشتقاق، اَبی بکر محمد بن حسن بن درید، طبع مصر، ۱۳۷۸ه.ش.
- امالی، طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، بغداد، المكتبة الاهلیه، ۱۳۸۴ هـ.ق / ۱۹۶۴م.
- الأمالی، طوسی، محمد بن حسن، مترجم: صادق حسن زاده، قم، انتشارات اندیشه هادی، ۱۳۸۸ه.ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، قم، جامعه مدرسین، یک جلدی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ه.ق / ۱۳۶۳ه.ش.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، به تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات نسیم کوثر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش.
- تعلیم و تربیت در اسلام، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ه.ش.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، سیوطی، عبدالرحمن بن اَبی بکر، تحقیق: عبدالله محمد درویش، چاپ چهارم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۳۸۸ه.ش.
- جامعه‌شناسی کار و شغل، توسلی، غلام عباس، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ه.ش.

- الحیاة، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- زمینه فرهنگ، روح الامینی، محمود، انتشارات عطار، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، احمد بن محمد، دارالکتب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ترجمه و نگارش: محمدعلی انصاری، یک جلدی، قم، انتشارات محمدعلی انصاری، بی‌تا.
- فرهنگ جعفری، تویسرکانی، محمد، به تصحیح و تعلیق سعید حمیدیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- فرهنگ عمید، عمید، حسن، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- فرهنگ فارسی معین، معین، محمد، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- فرهنگ نفیسی، نفیسی، علی اکبر، تهران، انتشارات امیر کبیر، بی‌تا.
- کافی، الکلینی الرازی، أبوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- الکامل، ابن اثیر، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ هـ.ق / ۱۹۷۹ م.
- کار و تلاش از نگاه اندیشمندان اسلامی، فلاح، محمد هادی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، انتشارات زلال کوثر، چاپ اول، فروردین ۱۳۸۹ هـ.ش.
- لغت‌نامه، دهخدا، علی اکبر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ هـ.ش.
- مدیریت نیروی انسانی (رشته مدیریت)، ابطحی، حسین، اصفهان، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- مروج الذهب، مسعودی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.

